

تحولات اجتماعی

پایان هزاره

گمان می رود که پایان هزاره زمان تحول باشد ولی لزوماً این گونه نیست، پایان هزاره نخست بطور کلی بی هیچ حادثه یا سپری شد. با این همه تحویل هزاره، صرف نظر از آن زمان آنرا چگونه محاسبه کنیم واقعاً دوران تحول است. در ربع قرنیه که رو به پایان است انقلابی تکنولوژیک که بر مصدر تکنولوژی اطلاعات متمرکز است شیوه اندیشه، تولید، مصرف، تجارت، مدیریت، ارتباط، زندگی، مرگ، جنگ و عشق ورزی ما را دگرگون ساخته است. مکان و زمان که بنیانهای مادی تجربه انسان هستند دگرگون گشته اند. چون فضای جریانها بر فضای مکانها چیره گشته و زمان بی زمان جایگزین زمان ساعتی دوران صنعتی شده است.

بحران دولت سالاری صنعتی و فروپاشی اتحاد شوروی:

بحران افسارگسیخته ای که از اواسط دهه ۱۹۷۰ بنیانهای اقتصاد و جامعه شوروی را به لرزه درآورد تجلی ناتوانی ساختاری دولت سالاری و ضعف نسخه صنعت گرایی شوروی برای تضمین گذار به جامعه اطلاعات بود. منظور از دولت سالاری اجتماعی نظامی اجتماعی است که پیرامون تصرف مازاد اقتصادی جامعه بدست صاحبان قدرت در دستگاههای دولتی سازمان یافته است و منظور از صنعت گرایی شیوه تولیدی است که در آن افزایش کمی عوامل تولید و نیز استفاده از منابع جدید انرژی، منابع اصلی بهره وری هستند و منظور از اطلاعات گرایی، شیوه ای از تولید است که در آن منبع بهره وری توانایی کیفی برای ترکیب و استفاده بهینه از عوامل تولید بر پایه دانش و اطلاعات است. در اتحاد شوروی گذار به عصر اطلاعات نیازمند اقداماتی بود که منافع پابرجای دیوانسالاری دولتی و نخبگان

غربی را تضعیف می کرد. شاید ویرانگرترین ضعف اقتصادی شوروی دقیقاً نقطه قوت دولت شوروی بود. یک منبع نظامی - صنعتی عریض و طویل و بودجه نظامی نامعقول.

تا دهه ۱۹۸۰ دو شکل ساختار عمده توانایی نظام را برای اصلاح خود محدود می کرد. از سویی تحلیل رفتن مدل گسترده رشد اقتصادی حاکی از نیاز به ایجاد معادله تولیدی نوین بود که در آن تغییر تکنولوژیک می توانست نقش مهمتری ایفا کند و از مزایای انقلاب تکنولوژیک برای افزایش چشمگیر بهره وری کل اقتصاد بهره جوید. این امر نیازمند این بود که سهمی از مازاد تولید به مصارف اجتماعی اختصاص یابد بدون اینکه روزآمد کردن ماشین نظامی را به خطر اندازد.

از سوی دیگر، رشد بی رویه بوروکراسی در مدیریت اقتصادی باید از طریق خانه تکانی در نهادهای برنامه ریزی و مهار مدارهای موازی تخصیص و توزیع کالا و خدمات اصلاح می شد. در هر دو مورد نوسازی تکنولوژیک و بازسازی اداری، موانع سهمگینی وجود داشت.

علاوه بر این مشخص شد که نمی توان بدون بازسازی کل سیستم مشابه نوسازی بخشی از اقتصاد پرداخت. همچنین سرکوب ایدئولوژیک سیاست کنترل اطلاعات موانعی جدی بر سر راه نوآوری و ابتکار تکنولوژی های جدیدی بود که دقیقاً به پردازش اطلاعات متمرکز بود.

از فروپاشی شوروی می توان نتیجه گرفت که، دولت یالاری از توانایی لازم برای درک تاریخ جدید برخوردار نیست. چنین دولتی نه تنها توانایی نوآوری تکنولوژیک را از میان می برد بلکه هویتهایی را که ریشه در تاریخ دارند غصب می کند، تعریف مجددی از آن ارائه می دهد تا آنها را در فرایندهای بسیار مهم قدرت سازی محو کند. در نهایت در دنیایی که توانایی جامعه برپا روزآند کردن مداوم اطلاعات و تکنولوژی هایی که تجسم این اطاعات هستند، منابع اصلی قدرت اقتصادی و نظامی است، دولت سالاری قدرت خود را از دست می دهد.

«به نظر دانشجو می توان تغییر ساختار شوروی را از دیدگاه و قدرت گراء کثرت گرا نیز به تصویر کشید چنانکه دیدگاه قدرت گرایی که بر شوروی حاکم بود پیامدهایی بدین شرح بدنبال داشت اولاً دولت سالاری و تسلط دولت بر اقتصاد، فرهنگ و ... دوماً تک حزبی بودن بطوری که ایدئولوژی حزب کمونیست بر جامعه حاکم فرما بود و بدنبال نادیده گرفتن ایدئولوژی های دیگر و وحدت بخشیدن به اندیشه افراد جامعه بود. اما در دوران گورباچف و پس از آن دیدگاه کثرت گرا جای دیدگاه وحدت گرا را تنگ کرد و به تدریج جای آنرا گرفت که به رسمیت شناختن مالکیت فردی و احزاب، کاپیتالیسم اقتصادی و ... بود بطوری که پلورالیسم در ابعاد مختلف در این جامعه گسترش یافت و دولت مجبور به توزیع عادلانه قدرت، ثروت و معرف شد.»

«ظهور جهان چهارم: سرمایه داری اطلاعاتی، فقر و حذف اجتماعی.»

ظهور اطلاعات گرایی در این پایان هزاره با افزایش نابرابری و حذف اجتماعی در سراسر جهان در هم تنیده شده است. حذف اجتماعی فرایندی است که به موجب آن برخی افراد گروهها به گونه ای منظم از دستیابی به سمتهایی محروم می شوند که به آنان امکان می دهد در چارچوب استانداردهای اجتماعی که از نهادها و ارزش های متن خاص شکل گرفته است، از زندگی مستقلی برخوردار باشد.

حذف اجتماعی یک فرایند است نه یک وضعیت. بنابراین مرزهای آن تغییر می کند و در زمانهای مختلف و بسته به تحصیلات، ویژگیها این که چه افرادی در شمول اجتماع قرار گیرند چه کسانی از آن حذف شوند تفاوت می کند. بنابراین در جامعه شبکه ای حذف اجتماعی به گونه ای دیگر عمل کرده و جوامع و طبقات اجتماعی دیگری را از اجتماع حذف می کند.

منظور از اقتصاد جنایی، فعالیتهای درآمدزایی است که از لحاظ هنجارهای اجتماعی جرم محسوب می شود و در یک بافت نهادی معین شایسته پیگرد است. ویژگی سرمایه داری اطلاعاتی، تشکیل اقتصاد جنایی جهانی و وابستگی متقابل روزافزون آن با اقتصاد و سعی نهادهای سیاسی است. بطور کلی ویژگی پیشرفت سرمایه داری اطلاعاتی جهانی در واقع همزمانی توسعه و توسعه یافتگی اقتصادی و

حذف شمول اجتماعی در فرایندی است که در امارهای مقایسه ای بصورت بسیار خامی منعکس شده است.

در سطح جهانی شاهد قطبی شدن توزیع ثروت، رشد متفاوت نابرابری درآمدها در درون کشورها، و رشد چشمگیر فقر و بینوایی در سراسر جهان و در بیشتر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه هستیم.

اطلاعات گرایی مرز مشخصی بین مردم، مکانهای ارزشمند و بی ارزش ترسیم می کند همچنین به گونه ای گزینشی با شمول و حذف بخشهایی از اقتصادها و جوامع به درون یا بیرون از شبکه های اطلاعات به پیش می رود و موجب فراری شدن کار می شود منظور از فراری شدن کار، فرایندی است که بواسطه آن مشارکت نیروی کار در تولید بطور خاص برای هر کارگر یا هر یک از همکاران او در تولید، خواه بصورت خود اشتغالی و یا نیروی کار مزدبگیر با قرارداد فردی و بدون چارچوب منظم ایجاد می شود که خود باعث رها شدن کارگران بحال خویش می گردد.

در این پایان هزاره، آنچه پیشتر مردم جهان دوم (دنیای دولت سالار) نامیده می شد، فروپاشیده است و او را یارای آن نیست که بر نیروهای اطلاعات فائق آید. در عین حال، جهان سوم به عنوان هویتی معنادار ناپدید شده و مفهوم جغرافیایی - سیاسی اش را از دست داده است به گونه ای خیره کننده در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی خود دچار پراکندگی شده است. با این همه جهان اول به جهان فراگیر اسطوره های نولیبرالی تبدیل نشده است، زیرا جهانی جدید، یعنی جهان چهارم، از دل سیاه چاله های متعدد حذف اجتماعی در سرتاسر جهان پدیدار شده است. جهان چهارم مناطق وسیعی از کره زمین مانند کشورهای افریقایی زیر خط صحرا و مناطق روستایی و فقر زده آمریکای لاتین و آسیا را شامل می شود. اما این جهان را تقریباً در هر کشور و در هر شهر، در این جغرافیای حذف اجتماعی نیز می توان دید. ساکنان جهان چهارم، میلیونها بی خانمان، زندانی، بزهدار، روسپی و بی سواد تشکیل

می دهد. آنان در برخی مناطق در حداکثرند و در برخی از مناطق حداقل. اما شمار این افراد در همه جا رو به فزونی است و حضور آنان هر روز نمایان تر می شود چرا که جریان کنونی سرمایه داری اطلاعاتی و فروپاشی سیاسی دولتهای رفاهی باعث تشدید حذف اجتماعی می شود. در متن و زمینه تاریخی کنونی، ظهور جهان چهارم را نمی توان از ظهور سرمایه داری جهانی اطلاعاتی جدا کرد.

«پیوند منحنی: اقتصاد جنایی جهانی»

عمر جنایت به قدمت نوع بشر است. اما جنایت جهانی و شبکه سازی سازمانهای جنایی قدرتمند و همدستان آنها، در فعالیتهای مشترک در سرتاسر سیاره، پدیده ای جدید است که تأثیرات شگرفی بر اقتصاد، سیاست و امنیت و در نهایت کلی جوامع ملی و بین المللی می گذارد. در دو هفته گذشته، سازمانهای جنایی با بهره مندی از جهانی شدن اقتصاد و تکنولوژی های جدید ارتباطی به گونه ای فزاینده عملیات خود را در فراسوی مرزها مستقر ساخته اند.

آنان با وجود تکنولوژی جدید بازارهای امن و کم خطر و مناطقی که سازمانهای جنایی بر آن کنترل نسبی دارند و همچنین بازارهایی که بیشترین تقاضا را دارند را انتخاب می کنند.

اقتصاد جنایی علاوه بر قاچاق مواد مخدر فعالیتهای متنوع دیگری نیز انجام می دهند مانند قاچاق اسلحه، قاچاق مواد هسته ای، قاچاق مهاجران غیرقانونی و زنان و کودکان و اعضای بدن نیز انجام می دهند. هرج و مرج اقتصادی که به جنایی شدن بخشی از تجارت منجر شد، پیش از هر چیز ناشی از روند گذار از اقتصاد دستوری به اقتصاد بازار بود که بدون نهادهایی عمل می کرد که می توانند بازار را سامان داده و تنظیم کنند و سقوط نهادهای دولتی که دیگر قادر به کنترل یا سرکوب تحولات نبودند مانع آن شده بود.

«توسعه بحران در کشورهای آسیایی حوزه اقیانوس آرام: جهانی شدن دولت»

مفهوم جامعه اطلاعاتی در واقع ابداع ژاپنیهاست که در سال ۱۹۷۸ توسط سایه‌ن نورا و ال‌ن مینک طی عنوان گزارشی که به نخست وزیر فرانسه ارائه گردید به غرب صادر شد. در حقیقت جامعه اطلاعاتی جامعه ای نیست که از تکنولوژی اطلاعات استفاده می کند، بلکه ساختار اجتماعی ویژه ای است که با ظهور پارادایم اطلاعاتی ارتباط دارد ولی توسط آن تعیین نمی شود.

در بلند مدت یکپارچگی اروپا نیازمند هویت اروپایی است. مفهوم هویت اروپایی در بهترین حالت با مشکلاتی مواجه است. بدلیل جدایی کلیت از دولت (و تعلق خاطر دینی اندک اروپائیان) نمی توان چنین هویتی را آنگونه که در گذشته و بطور تاریخی برقرار بود پیرامون مسیحیت برپا ساخت. تشکیل این هویت پیرامون دموکراسی نیز امکان ناپذیر است: نخست به این دلیل که آرمانهای دموکراتیک در سرتاسر جهان مشترک است. دیگر اینکه بدلیل وابستگی اش به دولت ملی دچار بحران است. درحالی که اروپا به نحو فزاینده ای از نظر قومی دچار پراکندگی می شود و به دشواری می توان هویت اروپایی را پیرامون قومیت شکل داد. دفاع از هویت اقتصادی اروپا نیز چندان ساده نیست، چون فعالیتهای اصلی اقتصادی جهانی شده اند و شبکه های فرامرزی تولید اتحادیه اروپا را با سایر مناطق جهان پیوند داده اند.

بنابراین، چیزی بنام هویت اروپایی وجود ندارد ولی می توان آنرا نه در تضاد بلکه به عنوان مکمل هویتهای ملی، منطقه ای و محلی تشکیل داد. این امر نیازمند فرایند ایجاد ساختار اجتماعی و اهدافی که خوشایند اکثر شهروندانی است و در اصل هیچ کس را طرد نمی کند که این همان هویت برنامه ای است.

«نظر دانشجو: به استناد نظریات کاستلز و سیر تحولات جوامع خصوصاً اروپا و شرق آسیا، اینگونه برداشت می گردد که مجدداً جوامع می کوشند از کثرت گرایی به سمت وحدت گرایی و یافتن و بهتر بگوییم ساختن هویت مشترک و ایجاد وحدت اقتصادی و ... برسند. گویی در بسط تاریخی جوامع، آنها دائماً از کثرت گرایی به سمت وحدت و بالعکس در

حرکتند. اگر بخواهیم از دید دیگر به سمیر رخدادها بنگریم گویی نوعی وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت بر جامعه جهانی حکم فرماست».

«نتیجه: جهانمان را شناختن»

جهانی نو در این پایان هزاره در حال شکل گیری است. بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل پدیدار شد، انقلاب تکنولوژی اطلاعات، بحرانهای اقتصادی سرمایه داری و دولت سالاری و تجدید ساختار متعاقب آنها و شکوفایی جنبشهای اجتماعی فرهنگی همچون آزادی خواهی حقوق بشر، فمینیسم و طرفداری از محیط زیست.

تعامل میان این فرایندها و واکنشهایی که بدان دامن می زدند یک ساختار نوین اجتماعی مسلط، یعنی جامعه شبکه‌ای: یک اقتصاد نوین یعنی اقتصاد اطلاعاتی - جهانی و یک فرهنگ نوین یعنی فرهنگ مجاز واقعی به عرصه بوجود آورد.

منطق نهفته در این اقتصاد، این جامعه و این فرهنگ، زیربنای کنش و نهادهای اجتماعی در سرتاسر جهان به هم پیوسته است. ویژگیهای تعیین کننده این جهان نو عبارتند از: انقلاب تکنولوژی اطلاعات، ظهور اطلاعات گرای. در اطلاعات گرایی، تولید ثروت، اعمال قدرت و ایجاد معیارهای فرهنگی بر توانایی تکنولوژیک جوامع و افراد وابسته شده و کانون این توانایی تکنولوژی اطلاعات بود. تکنولوژی اطلاعات به ابزار اجتناب ناپذیر اجرای کارآمد فرایندهای تجدید ساختار اجتماعی و اقتصادی از طریق شبکه سازی تبدیل شد.

بحرانهای مدل‌های توسعه اقتصادی سرمایه داری و نیز دولت سالاری موجبات تجدید ساختار موازی آنها را فراهم ساخت. پس از زوال دولت سالاری به مثابه یک سیستم سرمایه داری در سراسر جهان در کمتر از یک دهه رونق گرفت.

انقلاب تکنولوژی، تجدید ساختار اقتصادی و نقد فرهنگ همگی به سمت تعریف مجدد تاریخی روابط تولید، قدرت و تجربه که جوامع بر بنیان آنها ساخته شده اند، گرایش یافت. جامعه ای نو وقتی پدیدار می شود که شاهد دگرگونی ساختاری در روابط تولید، روابط قدرت و در روابط تجربه باشیمو این دگرگونیها به تغییر بنیادین مشابهی در شکلهای اجتماعی مکان و زمان و به ظهور فرهنگ جدید منجر می شود.

شکافهای اجتماعی بنیادین و واقعی عصر اطلاعات عبارتند از:

۱- تجزیه درونی نیروی کار به دو بخش تولیدکنندگان اطلاعاتی و نیروی کار عمومی جایگزین شوند.

۲- حذف اجتماعی بخش مهمی از جامعه متشکل از افراد مطرود که ارزش آنها کبعنوان کارگر - مصرف کننده به پایان رسیده و اهمیت شان بعنوان مردم نادیده گرفته شده است.

۳- جدایی منطق بازار شبکه های جهانی جریانهای سرمایه از تجربه انسانی زندگی کارگران در جامعه اطلاعاتی قدرت از میان نمی رود بلکه در سطح بنیادین، در اصول فرهنگیش نقش می بندد که از طریق آن مردم و نهادها نماینده زندگی هستند و تصمیم گیری می کنند، ازجمله تصمیم گیری سیاسی.

نبردهای فرهنگی، نبردهای قدرت در عصر اطلاعات هستند. این نبردها عمدتاً در رسانه ها و یا از طریق آنها صورت می گیرد. اما رسانه ها صاحبان قدرت نیستند. قدرت به مثابه توانایی تحمیل رفتار، و در شبکه های مبادله اطلاعات و بکارگیری ماهرانه نمادها نهفته است که کنشگران اجتماعی، نهادها و جنبشهای فرهنگی را از طریق نمادها، سخنگویان و تقویت کنندگان فکری به هم مرتبط می سازد.

دگرگونی روابط تجربه عمدتاً پیرامون بحران پدرسالاری دور می زند که ریشه بازتعریف عمیق خانواده دارد. تغییرات در روابط تولید، قدرت و تجربه به سمت دگرگونی بنیادهای مادی زندگی اجتماعی، مکان و زمان می گردند.

فراسوی این هزاره:

- ۱- انقلاب تکنولوژی اطلاعات پتانسیل تحول زای خود را شدت خواهند بخشید.
- ۲- بلوغ اقتصاد اطلاعاتی و رواج و کاربرد مناسب تکنولوژی اطلاعات به مثابه یک سیستم احتمالاً پتانسیل بهره وری این انقلاب تکنولوژیک را آزاد خواهد کرد.
- ۳- اقتصاد جهانی با بهره گیری از افزایش بنیادین قدرت ارتباطات راه دور و پردازش اطلاعات در قرن بیست و یکم گسترش خواهد یافت.
- ۴- دولت - ملتها به بقلی خود ادامه خواهند داد، اما استقلال آنها چنین نخواهد بود. آنها در شبکه های چند سویه با یکدیگر متحد خواهند شد. با هندسه متغییری از تعهدات، مسئولیتها، ائتلافها و وابستگیها.
- ۵- مجموعه ای از نهادهای چند سویه که از طریق شبکه به هم متصلند، بر اقتصاد جهان حکومت خواهد کرد.
- ۶- دولت از بین نمی رود، بلکه عصر اطلاعات فقط کوچک می شود.
- ۷- مردم نیز از قدرت دور شده و از نهادهای در حال فروریختن جامعه مدنی ناراضی خواهند بود. قرن بیست و یک تاریک نخواهد بود و نعماتی را شگفت انگیزترین انقلاب تکنولوژیک تاریخ به اکثر مردم نوید داده است به آنان ارزانی خواهد شد. چه بسا ویژگی آنان سردرگمی آگاهانه باشد. وعده عصر اطلاعات آزادسازی ظرفیت تولیدی بی سابقه توسط قدرت ذهن است.

«من می اندیشم، پس من تولید می کنم»

پایان

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com

www.kandoo.cn.com